

• دریافت ۹۵/۰۲/۱۱

• تأیید ۹۶/۱۱/۳۴

## ملمع و سیر تحول آن از آغاز تا پایان قرن دهم هجری

حجت رسولی\*  
نجم‌الدین ارازی\*\*

### چکیده

شعر ملمع یک نوع از شعر است که دارای سابقه ای طولانی در زبان فارسی است. ملمع شعر که در آن برخی از خطوط در یک زبان هستند و برخی دیگر در زبان دیگری نوشته شده است. این مقاله به بررسی تکامل و نمایندگی از شعر ملمع تا پایان از century هفدهم. لذا این مطالعه تلاش می کند تا به سوالات زیر پاسخ: چه نوع از تغییرات شده است در طول این قرن ها به شعر ملمع اتفاق افتاد، که *versifiers* عمده ملمع هستند، و ویژگی های از اشعار خود را چه هستند؟ این مقاله را پوشش می دهد دوپست و سی ملمع شعر از بیست و نه شاعران فارسی و به طور کلی آن شامل سه هزار و سیصد و چهار آیه. در نهایت، نتایج نشان می دهد که شعر ملمع به عنوان یک فرم شعری در قرن یازدهم آغاز شده است و تا قرن هفدهم، آن را از نظر کمیت توسعه یافته است. همچنین از نظر کیفیت، آن را به سمت تغییرات از موضوع و عملکرد دلالت نقل مکان کرد، در حالی که در همان زمان صرفه جویی روح سرگرمی در ساختار و محتوای آن.

### کلید واژه‌ها:

زبان عربی، زبان فارسی، شعر ملمع، روند تکاملی.

\*عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده مسئول) H-rasolli@sbu.ac.ir

\*\* دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی

## ۱- مقدمه

ملع در اصطلاح ادبی عبارت از نوعی شعر است که در آن بیتی یا مصرعی یا بیشتر به زبانی و بیتی یا مصرعی یا بیشتر به زبانی دیگر باشد و از این جهت در کتب ادب «ملع» را از صنایع بدیعی شمرده‌اند. نویسنده کتاب ابداع البدایع در تعریف ملع می‌آورد: «ملع آن است که بیتی یا مصرعی فارسی آوردند و دیگری تازی و گاه به سه لغت نیز آمده و ممکن است زیاده هم گفته و ساخته شود» (شمس‌العلمای گرکانی، ۱۳۷۷: ۳۲۶). این صنعت در ادب فارسی سابقه‌ای طولانی دارد به گونه‌ای که مورخان سابقه آن را به قرن چهارم هجری می‌رسانند و بر این باورند که نخستین شعر ملع در زبان فارسی متعلق به نیمه‌ی اول قرن چهارم هجری قمری و سروده‌ی ابوالحسن شهید بن حسین بن بلخی است (همایی، ۱۳۶۳: ج ۱/۱۴۶؛ صفا، ۱۳۷۸: ج ۱/۳۵۶). بعد از وی از ابوجعفر اندادی، شاعر دیگر ایرانی در نیمه‌ی دوم همان قرن، ملمعی نقل شده است. (رامی تبریزی، ۱۳۴۱: ۲۲۵). اگرچه پیش از قرن چهارم هجری قمری، شاعران ایرانی به هر دو زبان شعر می‌گفتند ولی این به معنای سرودن ملع نیست. در میان شاعران فارسی سرا همیشه افرادی با عنوان ذواللسانین بوده‌اند که به دو زبان شعر گفته‌اند. نمونه بارز آنان در قرن پنجم هجری قمری، شاعر معروف مسعود سعد سلمان (متوفی ۵۱۵ هـ ق) که شعر عربی بسیار گفته و به قول نویسنده کتاب لباب الالباب، دیوانی به تازی داشته است (عوفی، ۱۳۳۵: ۳۶). با این همه در دیوان فارسی وی ملع به اصطلاح ادبی و آنچه موضوع این تحقیق است وجود ندارد؛ اما پس از او در شعر شاعران نیمه‌ی دوم قرن پنجم و اول قرن ششم و بعد از آن ملع دیده می‌شود از جمله در اشعار سنایی غزنوی، خاقانی شروانی، سعدی شیرازی، حافظ، مولانا و عبدالرحمن جامی. تا قرن هفتم ملع، ترکیبی از زبانهای عربی و فارسی است اما از قرن هفتم زبان ترکی و بعدها زبانهای دیگر نیز وارد ملمعات شده است. بنابراین ملع سرایی تحولاتی را پشت سر نهاده است و به نظر می‌رسد در قرن هفتم و هشتم یعنی در دوره ایلخانان اقبال بیشتری به آن بوده است. اهمیت و ضرورت این بررسی از آنجاست که این گونه ادبی در اشعار شاعران بزرگ فارسی زبان یافت می‌شود و در حقیقت بخشی از دیوان شاعران را به خود اختصاص داده است. از سویی پی بردن به ابعاد ارتباط و تعامل میان دو زبان فارسی و عربی از موضوعاتی است که به شناخت عمیق تر و آشنایی با تاریخ تحولات این دو زبان کمک می‌کند. وانگهی ملمعات که از تلفیق دو زبان از سوی شاعر در یک وزن و قافیه پدید می‌آید جنبه هنری و خلاقیت در سرایش شعر را مضاعف می‌سازد و خواندن آن بیش از اشعاری که به یک زبان

سروده شده لذت بخش و اعجاب برانگیز است و سرانجام با عنایت به تحقیقات اندکی که تا این زمان در این زمینه انجام گرفته، انجام تحقیقاتی از این دست را ضروری می نماید. در حقیقت این گونه ادبی از ابتدای ظهور تا کنون خود سیر تحولی را طی کرده و در گذر زمان همگام با تحولاتی که در شعر فارسی پدید آمده دگرگونی‌هایی را شاهد بوده است. این تحولات هم در شکل و هم در معنا و مضمون روی داده است و موجب شده که ملمعات در سده های بعدی نسبت به سده های آغازین آن به کلی متفاوت باشد. این که ملمع به مرور زمان چه تحولاتی را شاهد و مضامین و محتوای ملمعات چه تغییراتی کرده است نیاز به بررسی دارد و این نوشته متکفل آن است

- مهمترین سوال‌هایی که این مقاله می‌کوشد بدان‌ها پاسخ دهد، عبارت است از :
- ملمع سرایی از آغاز تا پایان قرن دهم هجری شاهد چه تحولاتی بوده است؟
  - ویژگی‌های مضمونی ملمعات و تغییرات آنها چیست ؟

### ۱-۱- روش تحقیق

در این پژوهش از روش تاریخی به منظور بررسی تحولات ملمع سرایی در ایران تا پایان قرن دهم هجری استفاده شده و همچنین از روش توصیفی برای ارایه نمونه‌هایی از ملمعات و بیان ویژگی‌های آنها کمک گرفته شده و بر اساس روش تحلیلی، خصوصیات ادبی ملمعات و تفاوت میان آنها بررسی شده است. برای استخراج ملمعات نیز به دواوین شاعران و کتابهای تاریخی ادبی مراجعه شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با مراجعه به منابع مکتوب موجود و در دسترس جمع آوری شده است. دامنه تحقیق، سروده های ۳۹تن از شاعران ایران است که دارای ملمع هستند و مقطع زمانی آن از آغاز قرن چهارم تا پایان قرن دهم است.

### ۱-۲- پیشینه تحقیق

بررسی و تحقیق در باره ملمع در آثار متقدمان اندک است و اگر چه در قرون گذشته شاعران ملمع سرا ملمعات زیادی از خود بر جای گذاشته اند ولی نویسندگان به این موضوع و شرح و تفسیر آن نپرداخته اند از این رو بیشترین تحقیقات در این باره از سوی پژوهشگران معاصر انجام پذیرفته است. چنانکه ضیاءالدین سجادی در مقاله‌ای که با عنوان «ملمع و بررسی آن» در ماهنامه تحقیقات ایرانی (آینده) در سال ۱۳۶۲ منتشر شده به بحث ملمع پرداخته است. نویسنده

در این مقاله به شکل جامعی به بیان تعریف ملمع و پیشینه‌ی این نوع شعر در ادبیات فارسی پرداخته و از برخی شاعران نامدار که شعر ملمع سروده‌اند، نام برده است. (سجادی ۱۳۶۲: ۳۳۶-۳۴۶). عبدالله طلوعی پایان‌نامه دکتري خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی با عنوان «**تحقیق و بررسی در اشعار ملمع**» و به راهنمایی جلیل تجلیل در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه تهران دفاع کرد. طلوعی در این پایان‌نامه ابتدا مطالبی را درباره ملمع و ملمع‌گویی در شعر فارسی بیان کرده است. سپس به صورت خلاصه به بیان قالبهای گوناگون ملمع و توزیع آن در ادوار مختلف و دواوین شعرا و مقایسه سبک اشعار ملمع و اشعار فارسی پرداخته است. در ادامه نیز نام چهل شاعر ملمع سرا و برخی از شعرهای ملمع آنان را ذکر کرده است. احمد شیخ احمدی در مقاله‌ای با عنوان «**نگاهی به ملمعهای شاعران سده‌ی ششم و تاثیر این اشعار در ملمعهای شاعران سبکهای عراقی**» که در مجموعه مقالات پنجمین همایش سالانه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه هرمزگان) منتشر شد، ابتدا به تعریف ملمع، سپس به شیوه‌های سرایش ملمع در نزد شاعران سده ششم پرداخته و در پایان تنوع اوزان عروضی در نزد شاعران این سده را در سه بخش به صورت مختصر توضیح داده است (شیخ احمدی ۱۳۷۸: ۷۵-۸۲). احمد موسی بخشی از پایان‌نامه دکتري خود با عنوان «**پارسی گویان عربی سرا از آغاز تا عبدالرحمن جامی (معرفی و شرح اشعار عربی آنان)**» را به ملمع اختصاص داد و در سال ۱۳۸۱ در دانشگاه تهران و زیر نظر مرحوم دکتر امیرمحمود انوار، از آن دفاع کرد. در فصل دوم این پایان‌نامه دکتري، شاعران پارسی‌گوی عربی‌سرا به چهار طبقه تقسیم شده‌اند که چهارمین طبقه مربوط به پارسی‌گویان دارای اشعار ملمع است. موسی در مقدمه‌ای کوتاه به معرفی ملمع و تاریخچه‌ای از آن پرداخته و تقسیم‌بندی کلی درباره ساختارهای رایج ملمع ذکر کرده، سپس زندگینامه سی شاعر را آورده و برخی از اشعار ملمع آنان را ذکر کرده است. منوچهر دانش‌پژوه مقاله‌ای به نام «**ملمعات و مثلثات یا اشعار دو زبانه و سه زبانه**» در نشریه زبان و ادبیات منتشر ساخت. وی در این مقاله ابتدا به قالبهای شعر فارسی و تنوع آنها پرداخته و سپس ملمع را نوعی تفنن به حساب آورده و مثلثات را تکمیل‌کننده‌ی ملمع دانسته است و می‌گوید که آن نوعی شعر سه‌زبانه است که هر قطعه شعر به ترتیب یک بیت فارسی، یک بیت عربی و یک بیت به لهجه شیرازی قدیم است. دانش‌پژوه در ادامه به صورت مختصر به بیان چگونگی ورود الفاظ عربی به شعر فارسی از ابتدای شعر پرداخته

و سپس مثالهایی برای انواع ملمع از شاعران مختلف ذکر کرده است. وی در انتها نیز به بیان مثلثات سعدی و ذکر یک نمونه از آن پرداخته است (دانش پژوه ۱۳۸۲: ۳۲-۴۸). احمد موسی مقاله‌ای با عنوان «**الملمعات فی الشعر الفارسی**» را در مجله الدراسات الادبیة به چاپ رسانده و در این مقاله ابتدا به بیان تعریف ملمع و انواع آن پرداخته، سپس سابقه ملمع در شعر فارسی را بررسی کرده و ویژگیهای ملمع در ادوار مختلف را بیان کرده است. در ادامه شاهد وی علاوه بر تقسیم بندی کلی قالبها و شکلهای ملمع به بیان روشهای تاثیر زبان عربی در شعر ملمع نیز پرداخته است (موسی ۱۳۸۸: ۳۷۳-۴۰۰). علی اصغر قهرمانی مقبل در مقاله «**فنّ الملمع: حلقة الوصل بین الشعرین الفارسی و العربی**» که در مجله دراسات فی اللغه العربیه و آدابها به چاپ رسانده است، به اوزان ملمعات پرداخته است. هدف اصلی مقاله وی، پاسخ دادن به این سوال است که چگونه شاعری می‌تواند شعری را به دو زبان فارسی و عربی بگوید، در حالی که هر کدام از این زبانها دارای وزن و قافیه مخصوص به خود است. لذا ابتدا به تعریف لفظی و اصطلاحی ملمع، بیان جایگاه ملمع در نزد ایرانیان و سپس به بررسی ملمع از منظر وزن شعری و قافیه پرداخته است (قهرمانی مقبل ۱۳۹۰: ۷۷-۱۰۰).

در پژوهش‌های یاد شده که در زمینه ملمع صورت گرفته، هر یک از محققان کوشیده‌اند که جنبه‌ای از این موضوع را به بحث و بررسی بگذارند ولی هیچ یک به طور ویژه به بررسی جامع ملمع در دیوان تمام شاعران ایران در دوره‌ای خاص نپرداخته‌اند بلکه به طور کلی از ملمع و ملمع سرایان سخن به میان آورده‌اند. پژوهش حاضر به لحاظ بررسی جامع ملمع و ملمع سرایان در یک دوره‌ی زمانی خاص، بر اساس منابع معتبر و موثق و بیان سیر تحول آن بر اساس نمونه‌های چهارم تا قرن دهم هجری، پژوهشی مستقل و در عین حال جدید است که به بررسی جامع و کامل ملمع در اشعار تمامی شاعران این دوره می‌پردازد.

## ۲- سیر تحول ملمع از آغاز تا پایان قرن دهم هجری

### ۲-۱- پیدایش ملمع

عبارات عربی به شکلهای مختلفی در متون ادبی فارسی وارد شده است. در این متون گاهی شاهد حضور عبارات عربی در متن فارسی به صورت آیات و احادیث هستیم، گاهی یک مصرع یا بیت شعر عربی و گاهی نیز عبارت و یا مثلی عربی را در یک شعر فارسی می‌یابیم که در همه این موارد به نوعی تاثیر زبانی وجود دارد. آوردن آیات واحادیث با لفظ عربی آن در شعر فارسی

سابقه طولانی دارد. یعنی به آغاز شعر فارسی می‌رسد و تعداد اشعاری که در آنها آیات یا حدیث یا مثل و حکمت وجود دارد، بی‌شمار است که می‌توان آنها را در دیوان‌ها یا اشعار شاعران نامدار زبان فارسی مشاهده کرد. در همه این تاثیرپذیری‌ها شاعر چیزی را از زبان عربی و یا شعر و ادب و شاعران عربی اخذ کرده است ولی همه این موارد تفاوت ظریفی با ملمع دارند زیرا در ملمع شاعر خود به زبان عربی شعر می‌گوید و بخشی از فکر و اندیشه شعری خود را به صورت شعر به زبان دیگر بیان می‌کند.

یکی از تفنن‌های شاعران فارسی سرای عربی دان، ساختن شعر ملمع یا شعر دو زبانه بوده است یعنی سرودن شعری که یک مصراع یا یک بیت آن فارسی و مصراع یا بیت دیگر آن عربی باشد. سابقه‌ی آوردن مصراع و بیت عربی در میان ابیات فارسی، به آغاز شعر فارسی باز می‌گردد و ملمع گویی در زبان فارسی از نیمه اول قرن چهارم هجری شروع شد و یکی از ملمع سرایان بزرگ آن زمان ابوالحسن شهید بن حسن بلخی بود که این ملمع از اوست:

پیری محتبی ثم یخفص الصرا	فته نفسی تره قد سفرا
داند کزو همی به من چه رسد	دیگر باره ز عشق بی خبرا
لمایری و جتی من عصو	وسلیلا کالجمان مبتدرا
چو سدی اوج بایدی دل من	که باشدی غمزگانش را سپرا
فناع حلمی و خالی جلدی	ومن یطیق القضاء والقذرا
و گر بدانستی که دل بشود	نکردمی برره بلا گذرا

(به نقل از مدبری، ۱۳۷۰: ۲۷)

بعد از شهید بلخی، ابیاتی به دو زبان عربی و فارسی از ابوجعفر اندادی، شاعر ایرانی دیگر در نیمه دوم همان قرن نقل شده که مرکب از بیتی است به عربی با ترجمه‌اش به فارسی به همان وزن و قافیه:

غدیرک من قدک الخیزرانی	و من وردتی خدک الأرجوانی
فغان زان دو رخ چون گل ارغوانی	وزان بر شده قامت خیزرانی

همچنین:

لمایدر العجی فانظرا	الی صوره صوره الوری
یکی برمه چارده بگذرا	به روی نگارین من بنگرا

(رامی تبریزی ۱۳۴۱: ۲۲۵)

هر چند آغاز سرایش ملمع به قرن چهارم باز می‌گردد ولی ملمع در سده‌های چهارم و حتی در سده پنجم هجری چندان رواج نداشته است. اگرچه در این دوره شاعرانی وجود داشتند که به هر دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرودند. اما این شاعران که آنان را ذواللسانین نامیده‌اند، شعر فارسی را جدا و شعر عربی را جداگانه می‌سروده‌اند و آنها را با هم نمی‌آمیخته‌اند که از آن جمله‌اند: شهید بلخی، ابوالطیب محمد بن حاتم مصعبی، ابوبکر محمد بن علی خسروی سرخسی، ابوالفتح بستی، محمد بن عبدالله جنیدی، امیر قابوس بن وشمگیر، امیر ابوالحسن علی بن الیاس آغاجی که در سده‌ی چهارم می‌زیستند و در قرن پنجم نیز شاعرانی همچون ناصر خسرو و مسعود سعد بودند که به آنان اشعار و حتی دیوان شعر به عربی نسبت داده‌اند) دانش پژوه ۱۳۸۲: ۳۹. تقلید و اقتباس از شعر عربی در میان شاعران فارسی به ویژه در دوره‌های آغازین شعر فارسی وجود داشته است و شاعران فارسی سرای علاوه بر تقلید از شاعران بزرگ عربی سرای و اقتباس از مضامین و معانی آنان می‌کوشیدند با تضمین آیات و احادیث و عبارات عربی بر غنای اشعار خود بیفزایند. این کار تا مدتی ادامه داشت ولی با گذشت زمان، شاعران در استفاده از اشعار عربی سیر تکاملی خود را پیمودند و باید راه‌های دیگری را در نوآوری و ابداع می‌گشودند که روی آوردن به ملمع سرایی همان راه تازه و ابداعی بود که فرا روی خویش نهادند. دانش پژوه در این باره می‌افزاید: به نظر می‌رسد در این دو سده که دوران آغازین قصیده، قطعه و رباعی بود، الگوی اکثر شاعران، اشعار و قصاید عربی بود... این شاعران در قصاید خود پیروی از شعرای عصر جاهلی که نام آنان ادب عربی بوده و هستند را وجهه همت خود قرار می‌دادند. در حالی که با رشد سریع شعر فارسی بالاخص در نیمه‌ی دوم سده‌ی پنجم و ظهور شاعرانی چون انوری و خاقانی، و شاعران دیگر پیروی از بزرگان شعر فارسی را در پیش گرفتند و دیگر نیازی به تقلید از شعرای قصیده سرای عرب را احساس نمی‌کردند. از این‌رو تاثیر مضامین شعر عربی بر شعر فارسی رو به نقصان نهاد و تقلید از مضامین شعرای بزرگ ایرانی و سپس ابداع و خلق مضامین جدید به اوج خود رسید ... و اگر شاعری می‌خواست در شعر خود نوعی تغییر به وجود آورد و یا آن را بهتر بیان کند، از یک زبان دیگر نیز برای پرورش مطلب خود بهره می‌گرفت. بنابراین شاعر این دوره صرفاً به ذکر مثل یا شعر یا آیه برای استشهاد اکتفا نمی‌کند بلکه خود مفهوم یک مصرع یا یک بیت از شعر خود را به زبانی دیگر بیان می‌کند. در این دوران است که سرودن ملمع، رواج می‌یابد (همان، ۴۰)

## ۲-۲- تحول و توسعه ملمع در گذر زمان

ملمع در گذر زمان دچار تغییرات و دگرگونی‌هایی در تعداد ابیات و ساختارها و قالب‌های خود شده است که در این بخش برخی از تحولات ملمع در قرن‌های مختلف بیان می‌شود.

### ۲-۲-۱- قرنهای چهارم و پنجم هجری

در قرن سوم و چهارم و پنجم هجری استفاده از صنعت ملمع بسیار کم بوده است، در واقع اشعار شبه ملمع این دوره بیشتر به صورت تلمیح، اقتباس از آیات، احادیث یا اشعار عربی بوده است. آوردن آیات و احادیث با لفظ عربی در شعر فارسی سابقه‌ی بسیار طولانی دارد و تعداد ابیاتی که در آنها آیه و حدیث درج شده است، بی شمار است و نمونه‌های این مساله در دیوان‌های اشعار شاعران نامدار به ویژه از قرن ششم به بعد که مضامین عرفانی متکی به آیات و احادیث در شعر فارسی اوج می‌گیرد، ملاحظه می‌شود. در واقع بیشتر اشعار این سده‌ها قابل تطبیق با تعریف شعر ملمع نیست. چرا که مقصود از شعر ملمع، ترجمه‌ی شعر یا تضمین شعر یا مثل عربی در فارسی نیست بلکه شاعر باید به همان وزن و قافیه در شعر فارسی، مصراع یا بیت‌ی تازی بسراید.

دانش پژوه درباره شروع ملمع سرایی در این دوران می‌نویسد: «درباره رواج شعر ملمع باید گفت که با آنکه سده‌های چهارم و پنجم هجری که دوران آغازین شعر فارسی است و به سده‌های دوم و سوم هجری که دوران عربی خوانی و عربی نویسی دانشمندان ایرانی بوده است و هنوز خط فارسی شکل نگرفته بود، متصل و نزدیک است ولی ایرانیان در سده‌های چهارم و پنجم مصمم شدند که واژه‌های فارسی را احیا کنند و کوشیدند تا در حد مقدور فارسی بنویسند و از به کار بردن لغات عربی در میان واژه‌های فارسی پرهیز کنند که شاهد آشکار این شیوه، سروده‌های رودکی و شاعران همعصر او سپس شاهنامه فردوسی و دیگر سراینده‌گان همزمان او نظیر دقیقی و پس از او همچون اسدی است و در میان نویسندگان بیهقی و بلعمی. تنها در میان شاعران قرن چهارم و پنجم هجری، منوچهر دامغانی است که بیش از دیگران، لغات عربی در شعر فارسی آورده است». (۱۳۸۲: ۳۷-۳۸). از منوچهری ابیات ملمع اندک برجای مانده است از جمله آنها می‌توان به این ابیات اشاره کرد:

علی بن محمد میرفاضل رفیع الینات صادق الظن

(منوچهری ۱۳۸۴: ۸۷)



پاکیزه لقای که زیس حکمت و جودش

الحکمة والجود سری مفتخرابه

(همان: ۹۹)

ألا ای رئیس نفیس معظم

که گشتاسب تیری و رستم کمانی

کثیر الثواب وقلیل العتابی

ثقیل الרכاب و خفیف العنابی

(همان: ۱۳۸)

شهید بلخی و رابعه قزداری از شاعران این سده‌ها هستند که دارای اشعار ملمع مرتب و نیمه مرتب هستند. ملمع مرتب شهید بلخی شش بیت است که در مقدمه آمد و ملمع نیمه مرتب رابعه قزداری نیز شامل پنج بیت است:

شاقی نلیج من الیلار

هاج سقمی و هاج لی تذکاری

دوش بر شاخک درخت آن مرغ

نوحه می‌کرد و می‌گریست به زاری

قلت للطیر لم تروح و تکی

فی دجی اللیل والنجوم دراری

من جدایم زیار از آن می‌نالیم

تو چه نالی که با مساعدیاری

من نگویم چو خون دیده بیارم

تو چه گویی چو خون دیده نیاری

(ر.ک: اداره چی گیلانی، ۱۳۷۰، ۹۳)

می‌توان گفت که این دوره، دوره شروع و تکوین شعر ملمع است، نه رواج آن؛ زیرا در این عهد واژگان دخیل عربی در زبان فارسی یا واژگانی هستند که معادل فارسی نداشتند مانند واژه‌های مذهبی، اداری و علمی یا واژگانی هستند که در قوافی اشعار به کار می‌رفتند و فقر ناشی از کمبود کلمات فارسی قابل هم قافیه شدن را به نحوی از بین می‌بردند. از این رو شعرا به ترکیب زبان فارسی و عربی برای سرودن اشعار ملمع چندان توجهی نداشته‌اند ولی از قرن پنجم به بعد، دروازه زبان برای لغات بیگانه خاصه عربی باز شد و بدون جواز و الزامی، دسته دسته لغات بیگانه از روی تفتن و تقلید و اظهار فضل وارد زبان فارسی شد (موسی، ۱۳۸۱، ج ۲/ ۳۳۲). افزون بر این تحول شعر فارسی بی ارتباط با نثر فارسی نیست. نثر فارسی در سیر تکاملی خود مراحل نثر رسل و مسجع و فنی و سر انجام متکلف را پیموده است و از ویژگی‌های نثر فنی و متکلف وجود عبارات عربی به اشکال مختلف در نثر است که ابتدا اندک بود و سپس رو به فزونی نهاد. به همین نسبت حضور زبان عبارات عربی در شعر نیز ابتدا کمتر بود و به تدریج افزایش یافت. اگر

ملمع را در سیر تکاملی نظم و نثر فارسی در ارتباط با زبان عربی بررسی کنیم و آن را نمودی از تکلف و تصنع در ادب بدانیم، سیر تدریجی رشد آن قابل توجه است.

### ۲-۲-۲- قرن ششم هجری

در قرن ششم هجری سرودن شعر ملمع، اوج می‌گیرد و این رواج به معنی تقلید از شعر عرب نیست بلکه شاعران مصرع‌ها و ابیات عربی را در شعر به عنوان شاهد یا مصداق یا تاییدی بر ابیات یا مصرع‌های فارسی خود نقل می‌کنند که گاهی جنبه تفنن دارد. در این قرن هم تعداد شاعران ملمع‌سرا و هم تعداد اشعار ملمع افزایش می‌یابد. ملمع‌سرایی در این قرن با مسعود سعد سلمان (متوفی ۵۱۵ هـ ق) آغاز می‌شود و ملمع‌های او همانند ملمع‌های منوچهری تک بیت است و همچنین شاهد استعمال کلمات فراوان عربی در نزد وی هستیم. مسعود سعد سلمان شعر عربی بسیار گفته و بعضی از اشعار عربی او را رشیدالدین وطواط در حدایق السحر آورده است. با وجود این، ملمع به اصطلاح ادبی و آنچه مورد نظر ماست، در دیوان او یافت نمی‌شود. در ادامه برای آشنایی با روش کار او، چند بیت از ملمعات او نقل می‌شود:

لیکن از رنج برده طبعم هست	راحتی دون نفضة المصدر
نیست چون من کس از جهان مخصوص	بالبیات من جميع الناس
بدین سان گزارم همی روزگار	ومأمول عنی منیع المرام
هیچ کس داشته است از این گونه	معجزاتی علیک عین الله
	(مسعود سعد، ۱۳۶۲، ۲۶۸)
	(همان، ۲۹۶)
	(همان، ۳۲۷)

اما پس از وی، ملمع به وفور در شعر شاعران قرن ششم مشاهده می‌شود. امیر معزی دیگر ملمع‌سرای این دوره، دو قصیده ملمع طولانی دارد که ملمع اول وی شامل سی و هشت بیت است (امیر معزی، ۱۳۱۸: ۵۳-۵۰). ملمع دوم امیر معزی در بردارنده چهل و یک بیت است و نظم خاصی میان ابیات فارسی و عربی در آن یافت نمی‌شود (همان، ۴۲۶-۴۲۵). در دیوان سنایی بخشی تحت عنوان ملمعات وجود ندارد ولی یک ملمع مرتب هفت بیتی و نیز ابیات پراکنده ملمع در آن یافت می‌شود (ر.ک: سنایی، ۱۳۵۴: ۶۹). عبدالواسع جبلی در دیوان خود دو ملمع دارد که به ترتیب متشکل از بیست و سه و پانزده بیت است (ر.ک:

جلی، ۱۳۷۸: ۴۸۷-۴۸۵). حسن غزنوی نیز دو ملمع دارد که به ترتیب دارای بیست و دوازده بیت است (ر.ک: حسن غزنوی، ۱۳۶۲: ۱۹۴-۱۹۳). حمیدالدین بلخی یک ملمع هفت بیتی دارد (ر.ک: بلخی، ۱۳۸۹، ۲۸-۲۹). در دیوان رشیدالدین وطواط پنج ملمع وجود دارد که بالغ بر صد و چهار بیت هستند (ر.ک: رشیدالدین محمد عمری (وطواط)، ۱۳۳۹: ۳۱۰-۳۰۹، ۴۷۳-۴۷۱، ۴۸۴-۴۸۲، ۴۹۹-۴۹۸، ۵۳۰-۵۲۹). مجیرالدین بیلقانی بیشترین تعداد ملمع را در میان شاعران قرن ششم داراست. دیوان او شامل چهل و پنج ملمع است که دویست و سی و پنج بیت را در بر می‌گیرد. ملمع‌های بیلقانی چهار، شش و هشت بیتی هستند. بیلقانی یک ملمع یازده بیتی نیز دارد (ر.ک: بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۵۷-۳۳۷). فخرالدین سرخسی یک ملمع هفت بیتی دارد (به نقل از عوفی، ۱۳۳۵: ۱۸۳). خاقانی نیز هفت ملمع دارد که سه ملمع شش بیتی، یک ملمع چهار بیتی و سه ملمع نه بیتی دارد (ر.ک: خاقانی، ۱۳۵۷: ۸۹۲-۸۸۹، ۷۹۸، ۶۹۶). ظهیرالدین فاریابی نیز دو ملمع دارد که شامل یک ملمع چهار بیتی و یک ملمع یازده بیتی است (ر.ک: ظهیر فاریابی، ۱۳۳۹: ۳۹۶-۳۹۵) ملمع‌های قرن ششم هجری غالباً کوتاه هستند و امیر معزی، رشیدالدین وطواط و حسن غزنوی طولانیترین ملمع‌ها را سروده‌اند.

### ۲-۲-۳- قرن هفتم هجری

ملمع سرایان این سده عبارتند از: بهاءالدین محمد صاحب دیوان، که یک ملمع پانزده بیتی دارد (به نقل از جوینی، ۱۳۳۴: ج ۲/ ۲۵۷). مولانا شصت ملمع دارد که شامل ۸۳۲ بیت است، او در میان شاعران ملمع سرای ایران بیشترین ملمع را به خود اختصاص داده است (ر.ک: جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۶۵-۴۶۴، ۴۰۵-۴۰۳، ۱۶۳، ۱۴۷-۱۴۶؛ همان: ج ۲، ۱۲۴۸، ۱۱۹۴-۱۱۹۳، ۸۵۰، ۱۰۲۰، ۱۱۸۱، ۸۴۸-۷۹۵، ۷۹۳-۶۶۹، ۶۶۸-۶۰۲، ۵۲۹-۵۲۸، ۵۱۵، ۵۰۴-۵۰۳، ۴۶۶). از نظام‌الدین اصفهانی دوازده ملمع بر جای مانده که همگی شامل دو بیت هستند و از نوع ملمع مرتب محسوب می‌شوند و ترکیب آنها نیز یک بیت عربی، یک بیت فارسی است (به نقل از جاجرمی، ۱۳۳۷: ج ۲/ ۱۱۵۱-۱۱۴۸). ملمع‌های قاضی نظام‌الدین اصفهانی کوتاهترین ملمع‌های سروده شده توسط شاعران محسوب می‌شود. فخرالدین عراقی نه ملمع دارد که شامل ۱۰۶ بیت است. شش ملمع مرتب، دو ملمع نیمه مرتب و یک ملمع نامرتب است. غالباً ملمع‌های او کوتاه هستند و تنها ملمع نامرتب او سی و شش بیت را شامل می‌شود (ر.ک: عراقی، ۱۳۸۲: ۴۶۸، ۴۵۸، ۴۱۸، ۱۴۸-۱۴۶، ۱۱۱-۱۱۰، ۹۷-۹۶، ۷۲-۷۱، ۴۶-۴۵). سعدی

شیرازی یازده ملمع دارد که شامل ۱۴۹ بیت است و چهار ملمع مرتب، چهار ملمع نامرتب و سه ملمع نیمه مرتب است. طولانیترین ملمع‌های سعدی بیست و هفت و نوزده بیت دارد (ر.ک: سعدی، ۱۳۶۲: ۵۳۰-۵۲۹، ۴۷۷-۴۷۸، ۴۸۳-۴۸۰، ۴۲۵-۴۲۲، ۲۷۸-۲۷۷، ۲۷۰-۲۶۹، ۲۲۳-۲۲۲). شاعران در این قرن به نسبت قرن ششم ملمع‌های طولانی تری را سروده‌اند و همانگونه که مشاهده شد، مولانا، عراقی و سعدی ملمع‌های سی و شش، سی و سه، بیست و نه، بیست و هفت و نوزده بیتی فراوانی را سروده‌اند.

### ۲-۲-۴- قرن هشتم، نهم و دهم هجری

از جمله ملمع سرایان این دوره بهاءالدین محمد معروف به سلطان ولد است. وی در مثنوی ولد نامه خود هجده ملمع نامرتب دارد که شامل ۱۱۳۶ بیت است و میان ابیات فارسی و عربی این ملمعات، نظم و ترتیب خاصی مشاهده نمی‌شود. ملمع‌های سلطان ولد که در قالب مثنوی سروده شده است، هم از نظر تعداد ابیات و هم از نظر نامرتب بودن در نوع خود منحصر به فرد است. طولانی‌ترین ملمع‌های سلطان ولد ۱۳۵، ۱۲۴، ۱۱۳، ۸۹، ۷۸ بیتی است (ر.ک: بهاءالدین ولد، ۱۳۷۶: ۳۲۵-۳۲۸، ۲۹۶-۲۹۴، ۲۶۶-۲۶۴، ۲۲۴-۲۲۰، ۲۱۳-۲۰۸، ۱۹۲-۱۹۰، ۱۷۶-۱۷۴، ۱۵۸-۱۵۷، ۱۵۳-۱۵۵، ۸۳-۷۹، ۶۹-۶۸، ۵۹-۵۶، ۴۷، ۳۸-۳۷، ۱۵-۱۴، ۱۲-۱۱، ۹-۵). امیر خسرو دهلوی دو ملمع مرتب دارد که چهار و هشت بیتی است (ر.ک: امیر خسرو دهلوی، ۱۳۴۳: ۲۱). شرف الدین قزوینی یک غزل ملمع مرتب دارد که شامل نه بیت است (به نقل از جاجرمی، ۱۳۳۷: ج ۲/ ۱۱۰۵). محمد بن بدر الدین جاجرمی سه رباعی ملمع دارد که به صورت یک مصرع فارسی، یک مصرع عربی و بالعکس است (جاجرمی، ۱۳۳۷: ج ۲/ ۲۰۴). خواجوی کرمانی دوازده ملمع دارد که شامل ۱۱۷ بیت است. این ملمع‌ها متشکل از شش ملمع مرتب، چهار ملمع نامرتب و دو ملمع نیمه مرتب است. طولانیترین ملمع خواجوی کرمانی سیزده بیت است و بیشتر ملمع‌های او از هفت تا دوازده بیت تشکیل می‌شوند (ر.ک: خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۷۲۶-۷۲۷، ۶۹۴، ۴۶۸-۴۶۹، ۳۴۲-۳۴۰، ۲۸۸-۲۸۷). جلال طبیب پنج ملمع دارد که شامل چهل بیت است. این ملمع‌ها متشکل از سه ملمع نامرتب و دو ملمع نیمه مرتب است. طولانیترین ملمع جلال طبیب یازده بیت است (به نقل از صفا، ۱۳۷۸: ج ۳/ ۱۰۳۷-۱۰۳۴). حافظ شیرازی ده ملمع دارد که شامل هشتاد و نه بیت است. اغلب ملمع‌های حافظ نامرتب است. او هفت ملمع نامرتب، یک ملمع مرتب، یک ملمع نیمه مرتب و یک ملمع مرتب ترکیبی

سروده است و طولانیترین ملمع وی چهارده بیت است (ر.ک: حافظ، ۱۳۸۳: ۶۳۹-۶۳۸، ۶۳۱-۶۳۰، ۶۳۹-۶۲۷، ۵۷۸-۵۷۹، ۴۲۱-۴۲۰، ۴۰۹-۴۰۸، ۳۳۹-۳۴۰، ۲۱-۲۰، ۱). جنید شیرازی تنها یک ملمع نیمه مرتب دارد که متشکل از شانزده بیت است (ر.ک: جنید شیرازی، ۱۳۲۰: ۴-۳). کمال خجندی دو ملمع نامرتب دارد که هر کدام شامل هفت بیت است (ر.ک: خجندی، ۱۳۷۴: ج ۱/ ۶۸۴، ۱۷۱). جامی شانزده ملمع دارد که شامل ۱۳۸ بیت است. او هفت ملمع نامرتب، پنج ملمع مرتب و چهار ملمع نیمه مرتب دارد. طولانیترین ملمع وی ۱۹ بیت دارد (ر.ک: جامی، ۱۳۴۱: ۲۹-۳۰، ۴۱-۴۲، ۱۳۶-۱۳۷، و بعد)

### ۳- بحث و بررسی ویژگیهای ادبی و مضامین ملمعات

ملمعات همانند سایر انواع ادبی در طول زمان دستخوش تغییر شده‌اند. تغییرات ملمعات تابع تحولات ادبی سایر انواع ادبی است و می‌توان گفت ویژگیهای ادبی اشعار هر دوره بر ملمعات نیز مطابقت دارد.

نخستین ملمعات چه ملمعی که از شهید بلخی بر جای مانده با مطلع

یَرِی مِحْتَى ثَمَّ یَخْفِضُ البَصْرَا فَدَثَه نَفْسِی تَرَاهُ قَدْ سَفَرَا (به نقل از مدبری، ۱۳۷۰، ۲۷).  
و چه ملمع رابعه کعب قزداری با مطلع  
شَاقِنِی نَابِیْحُ مِنْ الْأَطْبَارِ هَاجَ سُمِّی وَ هَاجَ لِی تَذْكَارِی

(به نقل از اداره چی گیلانی، ۱۳۷۰، ۹۳).

که هر دو به نیمه نخست قرن چهارم تعلق دارد، رنگ و بوی اشعار آغازین فارسی امثال رودکی را دارد. موضوع این ملمعات عاشقانه است و با واژگان و ترکیبات بسیط و معانی بسیار ساده که از اندیشه‌ای ساده و عاطفه‌ای صادقانه نشأت گرفته، سروده شده است. صنایع بلاغی در این ملمعات اندک است و از پیچیدگی‌های ادبی به دور است. شهید بلخی برای ساختن قافیه‌ای که شعر عربی و فارسی را در آن بگنجانند، ناچار کلمات خیرا و سپرا و گذرا را با افزودن الفی به آخر آنها به کار برده است. تعداد ابیات نیز اندک است و از پنج و شش بیت تجاوز نمی‌کند.

این وضعیت سالها ادامه می‌یابد تا اینکه در قرن پنجم منوچهری با سبک خاص خود که از ویژگی‌های آن تقلید از ساختار قصیده عربی و کاربرد واژگان عربی در حد وفور است، ملمعاتی از خود بر جای می‌گذارد. این ویژگی در قصیده مشهور «غرابا مزن بیشتر زین نعینقا» (ر.ک:

منوچهری، ۱۳۸۴: ۶) اگر بتوانیم آن را ملمع یا شبه ملمع بنامیم، مشهود است و همچنین در تک بیت‌های ملمعی که از وی بر جای مانده است. قریب دو قرن از نخستین شاعر ملمع سرای گذشت تا در اوایل قرن ششم شاعران فارسی زبان با تسلط آشکار خود بر زبان و شعر عربی ملمعاتی را سرودند که از نظر سبک ادبی با ملمعات اولیه تفاوت داشت. انسجام و تلفیق عبارات عربی و فارسی در اشعار این شاعران دیده می‌شود و حسن تنسیق و تناسب و ظرافت و نوآوری در توصیفات آنان مشهود است. بدیهی است که عمده اشعار عربی و احتمالاً ملمعات این شاعران از بین رفته است و به جز ابیاتی اندک بر جای مانده است. در این دو قرن ملمعات زیادی از سوی شاعران فارسی‌سرای بر جای مانده و ملمعات نسبت به اشعار فارسی اندک است. هنگامی که در اوایل قرن ششم نوبت به امیر معزی می‌رسد وضعیت به کلی دگرگون می‌شود و علاوه بر تغییراتی که طی دو قرن در شعر و به تبع آن در ملمع حاصل شده از نظر ایجاد تفنن در ساختار نیز در ملمعات معزی شاهد تحول محسوسی هستیم. قصیده بلند معزی در ۳۸ بیت با مطلع:

طالّ اللیالی بعدکم و ابیض عینی من بکا یا حیّذا ایاّمنا فی وصلیکم یا حیذا

(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۵۳-۵۰).

نشان از پیشرفت و تحول در ملمعات دارد. شاعر بر خلاف پیشینیان که به غزل یا قطعه شعری با ابیات اندک اکتفا می‌کردند یا تک بیت‌هایی می‌سرودند، قصیده‌ای طولانی را به سبک ملمع سروده که از نظر ساختار با ویژگی خاصی همراه است و تفنن در ترکیب ابیات فارسی و عربی با قصد و عمد از سوی شاعر در آن به کار رفته است. شروع ملمع با بیتی عربی و ده بیت فارسی و سپس کاستن از تعداد ابیات پس از هر بیت عربی چینی است که شاعر برای این ملمع انتخاب کرده است. روشی که تا این زمان سراغ نداریم و پس از معزی شاعران دیگر نیز به وفور از تفننهای دیگر استفاده کرده‌اند. قصیده معزی به رغم الفاظ ساده و بی تکلف، روان و دارای استحکام است. شاعر در انتخاب قوافی بسیار ماهرانه عمل کرده و واژگان فارسی و عربی که قافیه شده‌اند چنان متجانس انتخاب شده‌اند که خواننده احساس تکلف از سوی سراینده نمی‌کند. ملمع دیگر معزی در ۴۱ بیت نیز با ملمعات شاعران پیشین متفاوت است.

... او در میان حله و من در میان خاک  
من برگرفته دقت‌ر و او بر گفته دف  
قالت اذا جلست وابصرت فانصرف  
من لم یکن له ثمنی مرو وانصرف  
یک ساعت ایستادم و کردم بدو نگاه  
فالجسم قد ترحل والقلب قد وقف

لم یبق فی القطیعة وصف الذی وصف

چون وصف آن وصیفت زیبا نگاشتم

...

یا سید العراقرین ای ملک را شرف  
مدح الموحدین له لیس یختلف

در خدمت رکاب تو آیم سوی عراق  
یا مفخر الکفاة ابا سعد الذی

...

بالبدریهتدی و من البحر یغترف  
قد قصر البعیدو بالذنب اعترف  
هست از ثنا و شکر و مدیح تو مؤتلف ...  
(امیر معزی ۱۳۱۸: ۴۲۶-۴۲۵)

وان طرفه هم بدولت و اقبال و جاه تست  
فی خدمة التی قصدت فی زماننا  
عذرم قبول کن که دل و جان من رهی

این قصیده از آن جهت متفاوت است که تا این زمان عمده ملمعات از نوع ملمع مرتب است یعنی بیتی فارسی و بیتی عربی یا مصرعی فارسی و مصرعی عربی است ولی در این قصیده نسبتاً طولانی معزی، برای اولین بار هیچ نظمی را در چینش ابیات مشاهده نمی‌کنیم و با ملمعی کاملاً نامرتب مواجه هستیم. اختصاص ملمع به موضوع مدح نیز مسئله جدیدی است که در این دوره با آن مواجه هستیم. در همین زمان و با فاصله چند سال سنایی قطعه‌ای کاملاً متفاوت با سایر ملمعات سروده است. او سبک «گفتم - گفت» را برای قطعه خود انتخاب کرده و با چینش جدیدی که در نوع خود کم سابقه است یعنی مصرع‌های اول فارسی و مصرع دوم عربی زیبایی خاصی به این ملمع بخشیده است با مضمونی عاشقانه که در آن جد و هزل با طنزی ملایم در آمیخته است، چنانکه می‌گوید:

أنا بحر و سعیر انت کالمح و خشب  
انت فی ماء و نار کتراب و حطب  
ادفع الدرهم خذ منه عناقید رطب  
ان ترد فضتنا هات هات هات هب  
لن تنالوا الطرب الدائم من غیر کرب  
یا اسی جوهر روح نتجت لم تعب  
هبمة الشیخ من الفقر غنله و سیب  
(سنایی، ۱۳۵۴: ۶۹)

گفتم از عشق تو ناچیز شدم گفت نعم  
گفتم از عشق تو هرگز نرهم گفت که لا  
گفتم آن زلف تو می‌گیرم در دست بگفت  
گفتم آن سیم گوش تو کی بوسم گفت  
گفتم این وصل تویی رنج نمی‌یابم گفت  
گفتم ای جان پدر رنج همی بینم گفت  
گفتم او را چو فقیرم چه کنم گفت لنا

قرن ششم را باید دوران طلایی ملمع سرایی نامید چرا که تعداد زیادی از شاعران با انبوهی

از ملمعات این فن ادبی را کاملاً رواج داده اند از معزی گرفته تا سنایی و جبلی و بیلقانی و غزنوی و بلخی و رشیدالدین وطواط و سرخسی و خاقانی و ظهیرالدین فاریابی هر یک به نوبه خود در این فن طبع آزمایی کرده اند. در این دوره ملمع سرایی برای شاعران امری عادی و رایج است. ملمعات علاوه بر رشد کمی، از حیث موضوع نیز متحول شده و مدح از اغراض مهم ملمع شمرده می شود. جبلی و غزنوی و رشیدالدین وطواط و بیلقانی جملگی ملمعات طولانی را به مدح سلاطین اختصاص داده اند که در راس آنها بیلقانی با ۴۵ ملمع که گاهی به بیش از ۴۰ بیت می رسد، گوی سبقت را از دیگران ربوده است. در این دوره ملمع به مرحله تکامل رسیده و از حیث تنوع در مضمون و موضوع و سبک و ساختار انواع مختلف آن سروده شده و به مرحله تفنن و هنر نمایی و گاهی لفاظی از سوی شاعران رسیده است.

قرن هفتم قرن جلال الدین محمد بلخی مشهور به مولوی است. مولانا با سرودن بیش از ۶۰ ملمع در قیاس با دیگر شاعران بیشترین اشعار ملمع را از خود بر جای گذاشته است. علاوه بر این تحولی که مولانا در ملمعات ایجاد کرد از نظر شکل و مضمون قابل توجه است. تا این زمان ملمعات عمدتاً از نوع قصیده و غزل بود و نخستین بار مولانا قالب مثنوی را برای ملمع سرایی برگزید و ابیات فراوانی را در قالب مثنوی و به صورت ملمع سرود. کاری که بعد ها در قرن هشتم سلطان ولد، فرزندش به تمام و کمال پیمود ولی سلطان ولد عمده ملمعات خود را در قالب مثنوی سرود. هر چند مولانا برای نخستین بار قالب مثنوی را در ملمع سرایی به کار برد ولی عمده ملمعات او دارای یک قافیه و در قالب قصیده و غزل هستند و معدود ملمعاتی در این قالب دارد از جمله :

گرچه آن مَطْعوم جان است و نَظَر	جسم را هم زان نَصیب است ای پسر
گَرنگستی دیو جسم آن را آکول	«أَسَلَمَ الشَّيْطَانُ» نَفَرمودی رَسول
دیو زان لوتی که مُرده حَی شود	تَأنیاشامد، مسلمان کی شود؟
دیو بر دنیاست عاشق، کور و کَر	عشق را عشقی دِگَر بُرد مگر
از نَهان خانهِ یَقین چون می چَشد	اندک اندک رَختِ عشق آن جا کَشد
یا حَریصَ البَطنِ عَرَجَ هَكَذَا	إِنَّمَا المِنْهَاجُ تَبْدیلُ الغِذا
یا مَریضَ القَلبِ عَرَجَ لِالعِلاج	جُمْلَةُ التَّدبیرِ تَبْدیلُ المِزاج
أَیْهَا المَحْبوسُ فی رَهْنِ الطَّعام	سَوَفَ تَنجولن تَحَمَّلَتِ الفِطام
إِنَّ فی الجوعِ طَعامٌ وَاِفرُ	إِفْتَقِدَها وارْتَجِحْ یا نَافِرُ



إِغْتَذِرَ بِالنُّورِ كُنْ مِثْلَ الْبَصَرِ  
 چون مَلَكِ تَسْبِيحِ حَقِّ رَاكُنْ غِذَا  
 جَبْرِيْلَ أَرِ سَوِي جِيفَه كَمْ تَنَد  
 خَبْذَا خَوَانِي نَهَادَه دَر جِهَان  
 كَر جِهَان بَاغِي پُرَاز نَعْمَتِ شُوْد  
 وَافِقِ الْأَمَلَاكِ يَاخَيْرَ الْبَشَرِ  
 تَا رَهِي هَمَجُون مَلَايَكِ اَز اَدَا  
 اَو بَه قُوْتِ كِي زَكْرَكْسِ كَمْ زَنَد؟  
 لِيَكِ اَز چَشْمِ خَسِيْسَانِ بَس نَهَان  
 قِسْمِ مَوْشِ وَ مَارِ هَم خَاكِي بُوْد  
 (مولوی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۸۹۳)

علاوه بر تحول در قالب ملمع طرح مضامین اخلاقی و حکمی در اشعار ملمع از دیگر ویژگی‌های مولانا است که در نمونه ای که ذکر کردیم به خوبی پیداست. در قرون بعدی یعنی هشتم تا دهم ملمع سرایی فنی کاملاً مرسوم میان شاعران بود و در موضوعات مختلف غزل و مدح و حکمت و ستایش خداوند ملمعات متنوعی از نظر ساختار و مضمون از شاعران بر جای مانده که هر چند بوی تقلید از آن کاملاً به مشام می رسد ولی از حیث لفظ و معنا از انسجام و استحکام برخوردار است.

#### ۴- ملمع و تفنن ادبی

از دیرباز یکی از تفنن‌های شاعران ساختن شعر ملمع یا دو زبانه بود یعنی سرودن شعری که یک مصرع یا یک بیت آن به زبان عربی و مصرع یا بیت دیگر آن به زبان فارسی است. لازم به ذکر است که دانشمندان بلاغت قدیم همانند رشیدالدین وطواط نویسنده کتاب «حدایق السحر فی دقایق الشعر» (رشیدالدین محمد عمری (وطواط)، بی تا: ۶۱) و رادویانی مولف کتاب «ترجمان البلاغة» ملمع را یکی از صنایع لفظی و به نام صنعت تلمیع معرفی کرده‌اند (رادویانی، ۱۳۶۲: ۱۰۷). هر چند در دوره معاصر جلال الدین همایی در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی، آن را در ردیف انواع شعر (قصیده، غزل، قطعه و رباعی و غیره) آورده است (همایی، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۱۴۶). ولی از آنجا که عموماً ملاک تعیین قالب‌ها، طرز چینش قوافی است و معیار تشخیص انواع ادبی موضوع آنهاست، به نظر می‌رسد بهتر است ملمع را همانند گذشتگان، جزو تفنن‌های شاعران، صنایع بدیعی و محسنات لفظی به حساب آوریم.

پرکاربردترین ساختاری که شاعران ملمع‌های خود را به آن صورت سروده‌اند، ساختار یک بیت عربی، یک بیت فارسی و برعکس آن است، نخستین شاعر ملمع‌سرایی که ملمع وی به دست ما رسیده است، شهید بلخی است که ملمع مرتب وی در همین قالب است. بعد از بررسی

و کنکاش در ملمعهای شاعران تا قرن دهم به نتایجی در این زمینه دست یافتیم که نشان دهنده‌ی طبع آزمایی شاعران در ایجاد اشکال و ساختارهای گوناگون برای ملمع سرایی است. ملمع اکثر شاعران این دوره‌ها به صورت منظم و مرتب است و گاه با شاعرانی مواجه می‌شویم که شعر را به صورت شکلی هندسی و جدولی مصنوع در می‌آورند که بی‌گمان هدف آنها ایجاد تفنن و سرگرمی بوده است.

می‌توان گفت امیر معزی نخستین شاعری است که در ملمع او با شکل هندسی خاصی مواجه می‌شویم. ملمع مرتب او که شامل سی و هشت بیت است و شاعر در قبال سرودن هر بیت عربی از تعداد ابیات فارسی می‌کاهد. به این صورت که امیر معزی در برابر هر بیت عربی به ترتیب ده، نه، هشت و هفت بیت عربی می‌آورد. نخستین ملمع نامرتب نیز در دیوان امیر معزی یافت می‌شود. او در این ملمع نامرتب چهل و یک بیت سروده که حاوی اندکی بیت و مصرع عربی است.

سنایی غزنوی در اقدامی ابتکاری، ملمعی در ساختار یک مصرع فارسی، یک مصرع عربی سروده است.

رشید الدین وطواط یک گام جلوتر رفته و در سه ساختار جدید ملمع سروده است: ۱- ساختاری که از یک بیت فارسی، یک بیت عربی تشکیل شده است. لازم به ذکر است که تمام شاعران ملمع سرا در قرن ششم ابیات ملمع خود را با بیتی عربی شروع می‌کرده‌اند. (ر.ک: رشیدالدین محمد عمری (وطواط)، ۱۳۳۹: ۴۸۴-۴۸۲) ۲- ساختاری که متشکل از دو بیت فارسی دو بیت عربی به صورت متناوب است. (همان: ۴۷۳-۴۷۱). ۳- ملمع نیمه مرتب. وطواط از پیشگامان سرودن ملمع نیمه مرتب است. ساختار ملمع یازده بیتی او بدین ترتیب است: دو بیت به صورت یک مصرع فارسی، یک مصرع عربی؛ دو بیت فارسی / دو بیت به صورت یک مصرع فارسی، یک مصرع عربی؛ دو بیت عربی / دو بیت به صورت یک مصرع فارسی، یک مصرع عربی. ترتیب این ملمع مرتب با یک بیت فارسی در بیت هفتم به هم خورده است. (همان: ۵۳۰-۵۲۹).

مجیرالدین بیلقانی نیز به نوبه خود ساختار دیگری را بر ساختارهای پیشین افزوده و با سرودن ملمع در چهار ساختار جدید طبع آزمایی کرده است:

۱- مصرع اول ابیات فرد و مصرع دوم ابیات زوج به زبان عربی به صورت متناوب در این صورت مصرع دوم ابیات فرد و مصرع اول ابیات زوج به زبان فارسی خواهد بود. بیلقانی دو ملمع

سه و نه بیته در این ساختار سروده است. (بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۷۷)

۲- ساختاری که متشکل از دو بیت عربی، دو بیت فارسی به صورت متناوب است. بیلقانی سه ملمع هشت بیته در این قالب سروده است. (همان: ۳۴۵).

۳- ملمعی که ساختار هندسی خاصی دارد، به این صورت که ابیاتی که مضرب ۳ هستند به صورت یک بیت عربی، یک بیت فارسی می‌آیند (این ساختار در مضرب‌های مختلف عدد سه، برعکس می‌شود) ابیات دیگر نیز- غیر از این ابیات- به صورت متناوب به شکل دو بیت عربی، دو بیت فارسی سروده شده اند. این شکل هندسی ملمع در نزد مجیرالدین بیلقانی می‌تواند نمونه بارز تفنن ادبی و محسنات لفظی قلمداد شود (همان: ۳۴۸).

۴- ملمع مرتب ترکیبی: بیلقانی نخستین شاعری است که دو ساختار مستقل ملمع مرتب را با هم ترکیب کرده است. به این صورت که چهار بیت اول ملمع شش بیته او در قالب یک بیت عربی، یک بیت فارسی است و دو بیت پایانی آن نیز به شکل یک مصرع عربی، یک مصرع فارسی سروده شده است (همان: ۳۵۶).

مولوی نیز ملمع را در دو شکل جدید و متفاوت از پیشینیان سروده است: ۱- ملمع مرتبی که متشکل از سه بیت عربی و سه بیت فارسی است (جلال الدین محمد، ۱۳۷۵: ۴۰۳). ۲- ملمع مرتبی که از شش بیت عربی و شش بیت فارسی تشکیل شده است (همان، ج ۲/ ۷۹۳).

جامی در دیوان خود به این نکته اشاره می‌کند که توجه به معنای سخن بهتر از لفاظی و بازیهای زبانی است:

در سخن کوش، نه در زینت دیوان، جامی! شعر را چون نبود آب چه سود از جدول  
(جامی، ۱۳۴۱: ۵۴۶).

با این وجود جامی نیز مبدع دو ساختار جدید برای سرودن ملمع است. این ساختارها از این قرار است: ۱- ملمع مرتب: بیت‌های فرد یک و پنج متشکل از یک مصرع عربی، یک مصرع فارسی؛ بیت‌های فرد سه و هفت متشکل از یک مصرع فارسی، یک مصرع عربی؛ بیت‌های زوج همگی به زبان فارسی سروده شده است (همان: ۱۳۶-۱۳۷). ۲- ملمع مرتب: یک بیت به صورت یک مصرع فارسی، یک مصرع عربی، دو بیت به زبان فارسی به صورت متناوب (همان: ۱۳۷).

## ۵- نتیجه

از بررسی موضوع ملمع و سیر تاریخی آن، نتایج ذیل حاصل گردید:

۱- بررسی و تحلیل ملمعهای شاعران نشان می‌دهد که در قرن چهارم و پنجم هجری و قبل از آن استفاده از صنعت ملمع بسیار کم بوده است، شهید بلخی و رابعه قزداري از شاعران این سده‌ها هستند. می‌توان گفت که این دوره، دوره شروع و تکوین شعر ملمع است نه رواج آن؛ زیرا که در این عهد واژگان دخیل عربی در زبان فارسی یا واژگانی هستند که معادل فارسی نداشتند مانند واژه‌های مذهبی، اداری و علمی، یا واژگانی هستند که در قوافی اشعار به کار می‌رفتند و فقر ناشی از کمبود کلمات فارسی قابل هم قافیه شدن را به نحوی از بین می‌برد. از این رو شاعران به ترکیب زبان فارسی و عربی برای سرودن اشعار ملمع چندان توجهی نداشته‌اند ولی از قرن پنجم به بعد، دروازه زبان برای لغات بیگانه خاصه عربی باز می‌شود و به راحتی و بدون محدودیت انبوهی از لغات عربی از روی ضرورت یا تفنن و تقلید و اظهار فضل وارد زبان فارسی می‌شود.

۲- در قرن ششم هجری استفاده از واژگان و عبارات عربی در شعر فارسی و سرودن شعر ملمع، اوج می‌گیرد. در نتیجه هم تعداد شاعران ملمع‌سرا و هم تعداد اشعار ملمع افزایش می‌یابد. کاربرد عبارات عربی در این قرن با مسعود سعد سلمان (متوفی ۵۱۵ هـ ق) آغاز می‌شود. در شعر مسعود سعد همانند اشعار منوچهری شاهد استعمال کلمات فراوان عربی هستیم. بعلاوه کاربرد تک بیت و تک مصرع‌های عربی در اشعار او فراوان است که با ملمع به اصطلاح ادبی آنچه مورد بحث ماست تا حدی فاصله دارد اما پس از او در شعر شاعران قرن ششم و بعد از آن ملمعهای فراوانی دیده می‌شود. امیر معزی، سنایی، عبدالواسع جبلی، حسن غزنوی، حمیدالدین بلخی، رشیدالدین وطواط، مجیرالدین بیلقانی، فخرالدین سرخسی، خاقانی و ظهیرالدین فاریابی از جمله ملمع‌سرایان بزرگ این دوره هستند. شاعران یاد شده در مجموع ۶۸ شعر ملمع شامل ۵۳۶ بیت سروده‌اند.

۳- در قرن هفتم هشتم هجری شاعران بزرگی چون مولوی، سعدی و حافظ به فن ملمع‌سرایی روی آوردند و باعث رونق گرفتن ملمع در ادبیات فارسی در این سده‌ها شدند. شاعران در این قرن به نسبت شاعران قرن ششم ملمعهای طولانی‌تری را سروده‌اند. شاعران مشهور ملمع‌سرای قرن هفتم عبارتند از: بهاءالدین محمد صاحب دیوان، مولوی، نظام‌الدین اصفهانی، فخرالدین عراقی و سعدی. از این شاعران نیز در مجموع ۹۳ شعر ملمع شامل ۱۱۲۶ بیت در دست است.

۴- ملمع‌سرایان قرن هشتم، نهم و دهم هجری عبارتند از: سلطان ولد، امیر خسرو دهلوی، شرف‌الدین قزوینی، محمد بن بدرالدین جاجرمی، خواجوی کرمانی، جلال طبیب، حافظ

شیرازی، جنید شیرازی، کمال خجندی و جامی. از شاعران این دو قرن ۷۲ ملمع در دیوانهای اشعارشان یافت شد که شامل ۱۵۹۵ بیت می‌شود.

۵- بررسی انجام شده و استقرای ملمعات تا قرن دهم هجری نشان دهنده این نکته است که ملمعات در ابتدا ساده‌تر بوده و به مرور به ساختاری پیچیده‌تر و به تفننهای بیشتری روی آورده است.

۶- عمده مضامین ملمعات تغزل و مدح و حکمت و وصف است. نخستین ملمعات مضامینی ساده غزل گونه داشت و بعد ها مدح و سر انجام حکمت و پند نیز بدان افزوده شد.

### منابع:

#### کتابها

- ۱- اداره چی گیلانی، احمد (۱۳۷۰) شاعران همعصر رودکی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۲- امیر خسرو، خسرو بن محمود (۱۳۴۳) دیوان، مصحح: م، درویش. تهران: جاویدان.
- ۳- امیر معزی، محمد بن عبدالملک (۱۳۱۸) دیوان، مصحح: عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۴- بلخی، حمیدالدین عمر بن محمود (۱۳۸۹) مقامات حمیدی، مصحح: رضا انزابی نژاد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۵- بیلقانی، مجیرالدین (۱۳۵۸) دیوان، مصحح: محمد آبدی باویل، تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- ۶- جاجرمی، محمد بن بدرالدین (۱۳۳۷) مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، به اهتمام: میر صالح طبیبی، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۷- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۴۱) دیوان جامی، ویراسته: هاشم رضی. تهران: پیروز.
- ۸- جلیلی، عبدالواسع (۱۳۷۸) دیوان، مصحح: ذبیح الله صفا. تهران: امیرکبیر.
- ۹- جلال الدین محمد بلخی (مولوی) (۱۳۷۵) کلیات دیوان شمس. دو جلد. تهران: نگاه.
- ۱۰- جوینی، عطاملک بن محمد (۱۳۷۰) تاریخ جهانگشا. تهران: ارغنون.
- ۱۱- حافظ، شمس الدین بن محمد (۱۳۸۳) دیوان غزلیات، به کوشش: خلیل خطیب رهبر، چاپ سی و ششم، تهران: صفی علیشاه.
- ۱۲- خاقانی شروانی، بدیل بن علی (۱۳۵۷) دیوان، مصحح: علی عبدالرسولی، تهران: چاپخانه مروی.
- ۱۳- خجندی، کمال (۱۳۷۴) دیوان، محقق: ایرج گلسرخی، تهران: سروش.
- ۱۴- خواجوی کرمانی، ابوالعطاء محمود بن علی (۱۳۷۴) دیوان، به کوشش: سعید فائق، تهران: بهزاد.
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴) لغتنامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۶۲) ترجمان البلاغ، مصحح: احمد آتش. تهران: اساطیر.
- ۱۷- رامی تبریزی، حسن بن محمد (۱۳۴۱) حقایق الحدایق، مصحح: سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.

- ۱۸- سعد سلمان، مسعود (۱۳۶۲) دیوان، مقدمه: ناصر هیری، تهران: گلشایی.
- ۱۹- سلطان ولد، بهاء الدین محمد بن ولد (۱۳۱۵) ولدنامه، مصحح: جلال الدین همایی، تهران: کتابخانه اقبال.
- ۲۰- سنایی غزنوی، ابوالمجد محدود بن آدم (۱۳۵۴)، دیوان. مصحح: تقی مدرس رضوی. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- ۲۱- شمس العلمای گرکانی، محمد حسین (۱۳۷۷) ابداع البدایع. چاپ اول. تبریز: انتشارات احرار.
- ۲۲- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸) تاریخ ادبیات در ایران. پنج جلد. چاپ یازدهم. تهران: فردوس.
- ۲۳- ظهیر فاریابی، طاهر بن محمد (۱۳۳۹) دیوان، مصحح: تقی بینش، مشهد: کتابفروشی باستان.
- ۲۴- عراقی، فخرالدین ابراهیم بن شهریار (۱۳۸۲)، مجموعه آثار فخرالدین عراقی: غزلیات، قصاید، قطعات، ترجیعات. مصحح: نسرین محتشم. تهران: زوار.
- ۲۵- عوفی، محمد (۱۳۳۵) لباب الالباب، مصحح: سعید نفیسی، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ۲۶- غزنوی، حسن بن محمد (۱۳۶۲) دیوان، مصحح: تقی مدرس رضوی تهران: ۱۳۶۲.
- ۲۷- مدبری، محمود (۱۳۷۰) شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوا، تهران: نشر پانویس.
- ۲۸- منوچهری دامغانی، احمد بن قوص (۱۳۸۴) دیوان، به اهتمام: محمد دبیرسیاقی، چاپ پنجم. تهران: زوار.
- ۲۹- رشیدالدین محمد عمری ( و طواط ) ( بی تا ) حدایق السحر فی دقائق الشعر، مصحح: عباس اقبال. تهران: مطبعه مجلس.
- ۳۰- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۹) دیوان، مصحح: سعید نفیسی تهران: کتابخانه بارانی.
- ۳۱- همایی، جلال الدین (۱۳۶۳) فنون بلاغت و صناعات ادبی چاپ دوم. تهران: توس.

### مقالات و پایان نامه ها

- ۱- دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۲). ملمعات و مثلثات یا اشعار دو زبانه و سه زبانه». نشریه زبان و ادبیات. شماره ۱۷: ۴۸-۳۲.
- ۲- سجادی، سید ضیاءالدین (۱۳۶۲). ملع و بررسی آن. ماهنامه تحقیقات ایرانی (آینده). سال نهم. شماره ۵. ۳۳۶-۳۴۶.
- ۳- شیخ احمدی، احمد (۱۳۷۸). نگاهی به ملمع‌های شاعران سده‌ی ششم و تأثیر این اشعار در ملمع‌های شاعران سبک‌های عراقی. مجموعه مقالات پنجمین همایش سالانه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه هرمزگان). هرمزگان: انتشارات دانشگاه هرمزگان. ۷۵-۸۲.
- ۴- طلوعی، عبدالله (۱۳۷۱) تحقیق و بررسی در اشعار ملع. پایان نامه دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران. دانشگاه تهران.
- ۵- قهرمانی مقل، علی اصغر (۱۳۹۰). فنّ الملع: حلقه‌ الوصل بین الشعرین الفارسی و العربی. مجله‌ دراسات فی اللغة العربیة و آدابها. شماره ۶. ۷۷-۱۰۰.
- ۶- موسی، احمد (۱۳۸۸) الملمعات فی الشعر الفارسی. الدراسات الادبیة. شماره پیاپی ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۳۷۳-۴۰۰.
- ۷- موسی، احمد (۱۳۸۱) پارسی گویان عربی سرا از آغاز تا عبدالرحمن جامی (معرفی و شرح اشعار عربی آنان). پایان نامه دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران.